

تأثیر معاشرت نیکو در زندگی انسان از منظر قرآن و روایات

* صفری گودرزی سرخی^۱

چکیده

معاشرت به معنای هر گونه نشت و برخاست و زندگی کردن زنان و مردان است، که به صورت حضوری و غیر حضوری انجام می‌شود. بنابر اجتماعی بودن انسان‌ها و اهمیت داشتن معاشرت در زندگی آنها، این سؤال مطرح بوده است که معاشرت نیکو از دیدگاه قرآن و روایات چه آثاری دارد؟ این مقاله به شیوه‌ی کتابخانه‌ای با مراجعه به کتاب‌های تفسیری، اخلاقی و ... به روش توصیفی تهیّه شده است. و با بررسی این کتاب‌ها و توصیف مباحث آنها این نتایج حاصل شده است که معاشرت یکی از ضروریات مهم زندگی انسان‌ها است. خداوند هم در قرآن کریم، مردم را به انجام معاشرت نیکو دستور می‌دهد و معاشرت هم مانند سایر اعمال عبادی دیگر،

اجر و پاداش فراوانی دارد.

کلید واژه : معاشرت، نیکو، زندگی، انسان

^۱ طلب پایه چهارم مدرسه علمیه خواهران شهرستان قائم شهر، ۹۱۷۹۵۵۲۴۸۶،

مقدمه

اخلاق بهترین وسیله‌ی انسان در سیر حق و حقیقت است. معاشرت در خیمه‌ی حیات و زندگی انسان از مسائل بسیار مهم و قابل توجه است. تا جایی که، صورت مثبت آن، سبب خوشبختی در دنیا و آخرت می‌شود و چهره‌ی منفی آن، علت تیره بختی در این جهان و آن جهان است. قرآن کریم، انسان‌ها را در شناخت معاشرت نیکو و احسن یاری کرده است.

علمای گرانقدر و بزرگان دینی ما در این زمینه کتاب‌های با ارزشی نوشته‌اند. اما باز در زمینه‌ی شناخت معاشرت نیکو، سؤالات زیادی مطرح است. مثلاًحد و مرز معاشرت نیکو چگونه است؟ و آثار و ثمرات معاشرت نیکو چیست؟

از این رو بر آن شدیم تا با روش کتابخانه‌ای و به شیوه‌ی توصیفی، به پاسخ این سؤالات برسیم. از جمله اینکه انجام معاشرت بدون افراط و تفریط، در دنیا و آخرت اجر فراوانی دارد.

تعريف لغوی و اصطلاحی کلید واژه‌ها

معاشرت

در لغت:

معاشرت مصدر باب مفاعله از ریشه‌ی «عشره» است. اهل لغت آن را هم صحبتی (معین، ۱۳۸۱ ش، ص ۱۰۶۴)، اختلاط و آمیزش با هم (طربی، ۱۳۷۵ ش، ج ۳، ص ۴۰۴ و ۴۰۵) معنا کرده‌اند.

در قرآن کریم، معاشرت و واژه‌های هم خانواده‌ی آن به معنای دیگری آمده است. مانند:

"... وَاعِشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ... " (نساء / ۱۹) (با زنان به نیکی «رفتار» کنید).

۱ - " يَدْعُوا لَمَنْ ضَرَّهُ أَقْرَبُ مِنْ نَفْعِهِ لَبِئْسَ الْمَوْلَى وَ لَبِئْسَ الْعَشِيرِ " (حج / ۱۳) (کسی را می‌خواند که زیانش از سودش نزدیک‌تر است. وه! چه بد یاور و چه «همراهی»).

" قُلْ إِنْ كَانَ أَبَائُكُمْ وَ أَبْنَاؤُكُمْ وَ إِخْوَانُكُمْ وَ أَزْوَاجُكُمْ وَ عَشِيرَتُكُمْ وَ ... " (توبه / ۲۴) (بگو: اگر پدران و فرزندان و برادران و زنان و «خاندان» شما...)

در اصطلاح:

معاشرت در اصطلاح به معنی هرگونه نشست و برخاست (دهخدا، ۱۳۷۳ ش، ج ۱۳، ص ۱۸۶۳۲) و زندگی کردن زنان و مردان با یکدیگر و اختلاط زن و مرد در جامعه است. (مصطفوی، ۱۳۶۰ ش، ج ۸، ص ۱۳۷) و حسن معاشرت به معنای رفتار شایسته و نیکو داشتن در تمام شئون زندگی با مردم جامعه می‌باشد.

معاشرت به طور کوتاه مدت و یا بلند مدت و در حد اعلاء و یا اقل آن صورت می‌پذیرد. و اختصاص به دوره‌ی زمانی بلند مدت ندارد. هر گونه روابط کوتاه مدت یا بلند مدت میان افراد یک جامعه می‌باشد در چارچوب قوانین و آدابی شکل گیرد تا این روابط و معاشرت، سالم و اسلامی باشد. (رضا زاده، روزنامه کیهان، ۹۰/۹/۲۶)

نیکو

در لغت:

"حسن" بر وزن "فَرَس" وصف است. (قرشی، ۱۳۷۱ ش، ج ۲، ص ۱۳۵) و به معنای پسندیده (دهخدا، همان، ج ۱۴، ص ۲۰۳۰۴)، خوب (عمید، ۱۳۵۷ ش، ج ۲، ص ۱۹۳۲)، خوش (معین، همان، ص ۱۱۶۲)، و مقابل بد و زشت آمده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۳، ص ۱۱۴ / طریحی، همان، ج ۶، ص ۲۳۵)

در اصطلاح:

"الحسن" به معنای هر اثر بهجهت آفرین و شادی بخش که مورد آرزو باشد، و به سه گونه است:

اول: آن زیبایی و حسنی که مورد پسند عقل و خرد است که به آن زیبایی عقلانی می‌گویند.

دوم: زیبایی و حسنی که از جهت هوا و هوس نیکو است که به آن زیبایی هوس پسند می‌گویند.

سوم: زیبایی و حسنی محسوس، که طبیعتاً زیبا و خوب است که به آن زیبایی طبیعی می‌گویند.

"الحسنه" به معنای نعمتی است که انسان در جان و تن و حالات انسانی خویش آن را در می‌یابد و از آن مسرور می‌شود و "سیئه" ضد آن است.

نیکو در عرف عموم مردم، بیشتر به چیزی که به چشم زیبا باشد، گفته می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۲۳۵) و موارد استعمال آن: قرض نیکو، متع نیکو، اجر نیکو و معاشرت نیکو و ... است. (قرشی، همان)
زندگی

در لغت:

"العيش" زندگی مخصوص جاندار است که خاص تر از واژه حیات است. زیرا حیات درباره خداوند و فرشته و موجود جاندار هم گفته می‌شود. (راغب اصفهانی، همان، ص ۵۹۶) و به معنای زیستن (عمید، همان، ج ۲، ص ۱۱۱۸) و حیات (طریحی، همان، ج ۴، ص ۱۴۴) و مال و منال (معین، همان، ص ۶۰۴) و نقیض مرگ (دهخدا، همان، ج ۸، ص ۱۱۴۲۲) می‌باشد.

در اصطلاح:

"زندگی" در اصطلاح همان زنده بودن است. واژه "معیشت" اسمی است برای آنچه که انسان با آن زندگی می‌کند. (راغب اصفهانی، همان)

به عبارت دیگر حیات و زندگی صفت ذاتی است که باعث استمرار وجود می‌شود و انسان در داشتن حیات اختیاری ندارد، اما می‌تواند با اختیار برای زندگی خود و خوردن و پوشیدن و خواب و سایر امور برنامه ریزی کند.

عمل کردن به این برنامه‌ها، همان معیشت است. (مصطفوی، همان، ص ۳۷۷)

در لغت:

"انسان" کلمه‌ای عربی است که اصل آن "إنسان" و بر وزن "إفعال" است. (ابن منظور، همان، ج ۶، ص ۱۰) و به معنای الفت گرفتن و ظاهر شدن است و بعضی‌ها گفته‌اند که از "نسیان" گرفته شده است. (دهخدا، همان، ج ۲، ص ۳۰۴۷) انسان اسم جنسی است که بر مذکر و مؤنث واحد و جمع واقع می‌شود. (طريحی، همان، ج ۴، ص ۴۷) و به خاطر اینکه ظاهر است و لباس طبیعی خلقت بر تن دارد، "انسان" نامیده شده است. (راغب اصفهانی، همان، ص ۹۴)

و این کلمه ۶۵ بار در قرآن مجید به کار رفته است.

در اصطلاح:

معنای واژه "انسان" که در قرآن آمده است، آن جسد ظاهری و صورت ظاهری نیست، بلکه باطن ونهاد و استعداد و انسانیت و عواطف انسان مدنظر است. (قرشی، همان، ج ۱، ص ۱۳۲) انسان موجودی بر خلاف پری است، که پری ناپیدا است و انسان ظاهر است.

انسان از چهار صفت ترکیب شده است:

- ۱- صفت حیوانی
- ۲- صفت درندگی
- ۳- صفت شیطانی
- ۴- صفت ریانی

واژه "انسان" به بشر و بنی آدم هم اطلاق می‌شود، چون وجودش و خلقتش تنها، با محبت به یکدیگر قوام و ثبات خواهد داشت. ولذا گفته‌اند: انسان‌ها فطرتاً اجتماعی هستند، زیرا قوامشان و دوام وجودشان به یکدیگر پیوسته است و ممکن نیست انسان خودش به تنها‌یی بتواند تمام نیازها و اسباب زندگی خود را فراهم کند. و نیز گفته‌اند: اطلاق نام "انسان" بر او بخاطر این است که او به هر چیزی که به او پیوسته است، الفت دارد و انس می‌گیرد. (راغب اصفهانی، همان)

حدود معاشرت نیکو

آداب معاشرت از جمله اخلاقیاتی است که تأثیر زیادی در زندگی فردی و اجتماعی دارد و از جنبه‌ی مادی و معنوی بسیار پر اهمیت است.

علّمه‌ی پژوهشگر، علی احمدی می‌گوید: مصاحب و همنشینی با بزرگان، اثر روحی عظیمی بر انسان دارد؛ کسی که با بزرگی معاشرت کند و با شخصیت عظیمی مصاحب داشته باشد، آن قدر از نورش بر او می‌تابد و چنان عطر معنوی اش او را در بر می‌گیرد که موجب غنای نفس و تعالی ذات است. (مرتضی عاملی، بیتا، ص ۲۶)

البته روشن است که حتی نسبت به کارهای خیر نیز باید میانه روی و اعتدال رعایت شود و به تعبیر دیگری می‌شود گفت که زیاده روی و یا سستی کردن در امور خیر، در واقع خود یک نوع شر است. شری که از ابتدای خیر بوده، اما به سبب استفاده نادرست و غلط به شر تبدیل شده است.

در معاشرت ها هم باید اعتدال رعایت شود، در همه‌ی جوانب معاشرت باید از افراط و تفریط پرهیز کنیم.

اصولاً شیوه قرآن کریم و سیره‌ی اهل بیت (علیه السلام) بر پایه‌ی اعتدال است.

مولای متّقیان علی (علیه السلام) درباره‌ی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید:

"وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، أَرْسَلَهُ وَ أَعْلَمُ الْهُدَى دَارِسَةٌ وَ مَنَاهِجُ الدِّينِ طَامِسَةٌ، فَصَدَّعَ بِالْحَقِّ وَ نَصَحَ لِلْخَلْقِ وَ هَذَى"

إِلَى الرُّشْدِ وَأَمْرَ بِالْقَصْدِ" (دشتی، خطبه ۱۹۵، ص ۲۹۱)

(و گواهی می‌دهم که محمد (صلی الله علیه و آله) بنده و فرستاده‌ی اوست. خدا، پیامبرش را هنگامی فرستاد که نشانه‌های هدایت از یاد رفته و راه‌های دین ویران شده بود، او حق را آشکار و مردم را نصیحت فرمود، همه را به رستگاری هدایت و به میانه روی فرمان داد).

حدود معاشرت زنان

روح آیات و روایات، بیانگر اصلی کلی است که باید به عنوان مبنای ترین اصل در معاشرت و روابط اجتماعی زن و مرد مورد توجه قرار بگیرد و آن حفظ عفت و حیای زن در همه‌ی شرایط و حالات است. بدیهی است حفظ این ارزش جزء با حداقل معاشرت زن و مرد نامحرم و نیز اهتمام به وظیفه‌ی اصلی که پروردگار بر عهده‌ی او نهاده، یعنی خانه داری و تربیت فرزند و پرورش نسل‌های آینده جوامع بشری که مسئولیت خطیر و سنگینی است، میسر نیست.

البته انجام این مهم هیچ منافاتی با رشد علمی و معنوی و فعالیت‌های اجتماعی زن ندارد. بلکه مؤید آن نیز هست، چرا که تجربه نشان داده، اختلاط بدون حد و مرز زن و مرد به بهانه‌ی رشد اجتماعی و علمی، عوارض نامطلوبی دارد که مانع شکوفایی استعدادهای بانوان است. اگر بنا باشد به بهانه‌ی کسب علم و تخصص، فضایل انسانی و عفت زن که ارزش اصلی اوست، قربانی شود، جهل بهتر از این علم است. (سعادت پور، ۱۳۸۰ ش، ص ۱۸۸)

اعتدال در گفت و شنود

یکی از آداب معاشرت، گفت و گوی نیکو با دیگر هم نوعان است. با گفت و شنود بسیاری از مشکلات روحی و روانی و مادی و معنوی حل می‌شود، در مقابل ریشه‌ی بزرگترین مشکلات و فسادها، از ناحیه‌ی چرخش زبان است.

امام علی (علیه السلام) فرمودند: "قَلْمَا يَنْصِفُ اللِّسَانَ فِي نَسْرِ قَبِيْحٍ أَوْ أَحْسَانٍ". (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ ش، حدیث ۴۱۵۶، ص ۲۱۳)

(کم است کسی که زبان خودش را در پراکنده کردن قبیحی یا احسانی معتدل کند).

۱- اعتدال در لحن گفتار

درباره‌ی شیوه‌ی لحن و سخن گفتن، پروردگار متعال چنین می‌فرماید:

"... وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتِ الْخَمِيرِ". (لقمان / ۱۹)

ب) حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند:
"دارنده‌ی خلق حسن، همانند روزه دار شب زنده دار پاداش دارد".

این حدیث دلالت دارد که اخلاق نیک همانند عمل و عبادت ثواب و پاداش دارد. (موسوی همدانی، ۱۳۶۴ش، ج ۶۷ و ۶۸، همان، ص ۳۶۷)

ج) از رموز موقیت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) در دعوت به رسالت خویش، اخلاق نیک و برخورد شایسته و جذاب با مردم بود.

"حسن خلق" آن حضرت امتیاز بارز ایشان بود. به همین سبب مدار "أَنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ" (قلم آیه ۴) از خدای عظیم دریافت کرد. از کلمات نورانی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است که:

"أَنَّ الرَّجُلَ يُدْرِكُ بِحُسْنِ خُلُقِهِ دَرَجَةَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ" (محدثی، همان، ص ۴۰، به نقل از میزان الحكمه، ج ۳، ص ۱۴۰)

(گاهی انسان در سایه‌ی خوشبوی، به مقام و رتبه‌ی روزه داران شب زنده دار می‌رسد).

۵) محمد بن یحيی ... از ابی علی لهی از حضرت صادق (علیه السلام) که فرمودند:

"أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَىٰ لِيُعْطِيِ الْعَبْدَ مِنَ الثَّوَابِ عَلَىٰ حَسْنِ الْخُلُقِ كَمَا يُعْطِيِ الْمُجَاهِدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَغْدُو عَلَيْهِ وَ يَرُوحُ".

(خداؤند متعال به بندۀ‌ی خوش اخلاق، ثوابی همانند ثواب کسی که در راه خدا جهاد می‌کند که به سوی جنگ حرکت نموده و بر می‌گردد، چنین ثوابی عنایت می‌فرماید).

علت اینکه خداوند چنین ثوابی عنایت می‌کند، این است که این دو کار (جهاد و مقید بر خوش خلقی) بر انسان دشوار و مشقت می‌باشد. بلکه جهاد با نفس و مراعات حدود الهی، مشکل تر از جهاد با دشمن بروونی است. و از این جهت به این جهاد، جهاد اکبر گفته می‌شود. (موسوی همدانی، همان، ج ۶۷ و ۶۸، همان، ص ۳۶۹)

در این تحقیق این نتایج حاصل شده است:

- ۱- در معاشرت ها باید اعتدال و میانه روی داشته باشیم و از افراط و تفریط بپرهیزیم.
- ۲- نباید با افرادی که آیات قرآن را مسخره می کنند و همچنین کسانی که کافر هستند، معاشرت کرد.
- ۳- ایمان داشتن و صادق و باتقوا بودن، از جمله شرایط معاشرت است.
- ۴- معاشرت نیکو در دنیا آثار فراوانی دارد، از جمله ایجاد آرامش، افزایش عمر، از بین رفتن کینه و ...
- ۵- آثار اخروی معاشرت نیکو، بسیار زیاد است و بهشت رفتن و آمرزش گناهان از جمله آثار آن است.

پیشنهادات

- ۱- برنامه ریزان، باید برای پیشگیری از آسیب های معاشرت، فرهنگ سازی کنند.
- ۲- ساختن فیلم های سینمائي یا مجموعه های داستاني برای آموزش آثار مثبت و منفی معاشرت به نسل جوان
- ۳- برگزاری جلسات و سمینارها، با موضوع نحوه ی معاشرت نیکو
- ۴- برگزاری کلاس های آموزش عملی آداب معاشرت برای کودکان در مهد کودک ها و مدارس ابتدائي
- ۵- تهیّه کتابچه هایی با موضوع شیوه ی معاشرت نیکو و تأثیر آن در زندگی، برای زوج های جوان

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

- ۱- ابن بابویه، محمد بن علی، پاداش نیکی ها و کیفر گناهان (ترجمه ثواب الاعمال)، محمد علی مجاهدی، قم، انتشارات سرور، ۱۳۸۱ ش، چاپ اول
- ۲- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۴ ق، ج ۶ و ۱۳
- ۳- امین، سید نصرت، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱ ش، ج ۳
- ۴- بابایی، احمد علی، برگزیده تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۲ ش، ج ۴
- ۵- برخوردار فرید، شاکر، آفات الطّلاب، تهران، مؤسسه انتشارات لاهوت، چاپخانه قلم، ۱۳۹۰ ش، چاپ چهارم، ج ۲
- ۶- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (صلی الله علیه و آله)، تهران، دنیای دانش، چاپ چهارم، ج ۲
- ۷- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غررالحكم و دررالکلم، مصطفی درایتی، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ ش
- ۸- جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، قم، هجرت، ۱۳۷۶ ش، ج ۲
- ۹- جوادی آملی، عبدالله، مفاتیح الحیا، محمد حسین فلاح زاده و جمعی از محققان، قم، مرکز چاپ اسراء، ۱۳۹۱ ش، چاپ بیستم
- ۱۰- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، تفسیر اثنا عشری، تهران، انتشارات میقات، ۱۳۶۳ ش، ج ۳
- ۱۱- حسینی همدانی، سید محمد حسین، انوار در خشان، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۳ و ۴
- ۱۲- خانی رضا، حشمت الله ریاضی، ترجمه بیان السعاده فی مقامات العباده، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۲ ش، ج ۱۳
- ۱۳- دشتی، محمد، الگوهای رفتاری امام علی (علیه السلام)، قم، میراث ماندگار، ۱۳۸۶ ش، ج ۱
- ۱۴- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ش، چاپ اول (دوره ی جدید)، ج ۲ و ۸ و ۱۳ و ۱۴
- ۱۵- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲ ق
- ۱۶- روحانی معین، داوود، مجموعه احادیث برگزیده اصول کافی جلد ۸، بیجا، انتشارات بهار دلهای، چاپ جعفری، ۱۳۹۱ ش، چاپ دوم
- ۱۷- زواری نسب میانجی، سلمان، صله ارحام آثار و ثمرات آن، قم، دفتر نشر نوید اسلام، ۱۳۸۱ ش

- ۱۸- طریحی، فخر الدین، مجمع البحرين، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ ش، ج ۳ و ۴ و ۶
- ۱۹- سبحانی نسب، علیرضا، جرעה ای از کوثر (پژوهشی پیرامون اسمای و القاب فاطمه الزهرا)، بیجا، عصر ظهور، ۱۳۷۷ ش
- ۲۰- سعادت پور، علی، جلوه‌ی نور (پرتوی از فضائل معنوی فاطمه الزهرا)، بیجا، احیاء کتاب، ۱۳۸۰ ش
- ۲۱- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق، ج ۴
- ۲۲- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، چاپخانه سپهر، ۱۳۵۷ ش، چاپ اوّل، ج ۲
- ۲۳- فرجی، مجتبی، زندگی در آیینه‌ی اعتدال، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰ ش، چاپ اوّل
- ۲۴- قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش، ج ۲ و ۳
- ۲۵- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش، ج ۱ و ۲
- ۲۶- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق، ج ۲
- ۲۷- مترجمان، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰ ش، ج ۵ و ۶
- ۲۸- _____، تفسیر هدایت، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷ ش، ج ۱۲
- ۲۹- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار، جمعی از محققان، بیروت، دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ ق
- ۳۰- محدثی، جواد، اخلاق معاشرت، قم، مؤسسه‌ی بوستان کتاب، ۱۳۹۱ ش، چاپ سوم
- ۳۱- مرتضی عاملی، سید جعفر، تحلیلی از زندگی سیاسی امام حسن مجتبی (علیه السلام)، محمد سپهری، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، بیتا
- ۳۲- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش، ج ۸
- ۳۳- _____، تفسیر روشن، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰ ش، ج ۶
- ۳۴- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین (تک جلدی)، تهران، گلرنگ یکتا، ۱۳۸۱ ش
- ۳۵- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش، ج ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۸
- ۳۶- موسوی همدانی، سید محمد باقر، ترجمه تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش، ج ۷ و ۹ و ۱۵ و ۱۸
- ۳۷- موسوی همدانی، ابوالحسن، بحار الانوار ترجمه جلد ۶۷ و ۶۸، تهران، کتابخانه مسجد ولیعصر، ۱۳۶۴ ش، ج ۲
- ۳۸- رضا زاده، محمد، روزنامه کیهان، ۹۰/۹/۲۶